



نیاز به دفع و تخلیه

مقدمه

چرا بحث از نیاز به دفع و تخلیه داریم در حالیکه این مساله ای بدیهی است و اصولاً" کودکان در این رابطه خواه و ناخواه به وضعی میرسند که بتوانند رفع نیاز کنند؟ پاسخ این است که در مساله دفع جنبهها و اصولی است که عدم رعایت آن موجب پدید آوردن عوارضی

از اواسط سال دوم در خود کودک این رغبت پدید می آید که خود را کنترل کند و این امر از حدود ۱۸ ماهگی در کودک آشکار است و علاقه دارد به کنترل خود بپردازد و به وسیله علامتی مادرش را خبر میکند که درجه وضعی است . البته کنترل دفع و عکس العمل ها در مقابل آن در افراد مختلف متفاوت است و از این بابست نباید وضع کودکی را با کودک دیگر مورد مقایسه قرار داد و یادچار ناراحتی و تشویش نباید شد که چرا فرزند من چنین است .

عوارض کنترل سریع و پیشرس

اصرار والدین به کنترل ادرار پیش از زمان امکان زیستی و روانی آن برای کودک تلاشی بیهوده و خطر آفرین است و حتی ممکن است زمینه را برای تاخیر افتادن این امر در کودک فراهم کند . فشار زیاد برای تنظیم این امر حتی ممکن است موجبات نابسامانی روانی را در طفل فراهم آورد و خواهیم دید که بخشی از حساسیت ها ، بیخوابی ها و حتی بد خوابی های کودک در این رابطه است .

اصل این است کودک از نظر رشد بدرجه ای برسد که بتواند استقلال خود را در این رابطه حفظ کرده و زمینه روانی او مساعد برای وصول به چنین مقصدی باشد . برای چنین امری لازم است فعلاً "تایکی دو سال صبر کرده و تاسنین ۴ و ۵ با طفل مدارا کنیم . یعنی حتی اگر در ۴ سالگی خود را گاهگاهی خیس کرد او را مورد سرزنش قرار ندهیم .

می شود که در مواردی رفع و جبران آن امری غیر ممکن است .

بعبارت دیگر در مساله دفع به غیر از جنبه های پزشکی و زیستی مسائل تربیتی و اخلاقی هم مطرح است که بسد ان خاطر کوشیده ایم در آن باره به بحث و بررسی بپردازیم . اهمیت پاره ای از مباحث مربوط به آن بحدی است که عدم رعایت آن به قیمت حیثیت و آبروی خانواده تمام می شود .

از سوی دیگر اهمیت مساله دفع و تخلیه در مواردی بقیمت اهمیت سلامت جسم و روان کودک است . عدم رعایت ضوابطی هم موجب لطمه بر جسم و بدن کودک است و هم سبب صدمه روانی . بهمین نظر ضروری است ابعاد مربوط به جنبه های اخلاقی و تربیتی ، جسمی و روانی ، و لو به اختصار در این جا عنوان شود .

آغاز کنترل دفع توسط کودک

کودک در ماههای اول تولد توجهی به کنترل ادرار یا مدفوع خود ندارد و این امر بخودی خود توسط کودک صورت می گیرد و طبیعی است که والدین و مربیان باید بهمین شرایط و اوضاع رضایت دهند و به پذیرائی و حمایت از کودک بپردازند .

اگر طفل سالم باشد از حدود ماههای هشتم تا دهم گامهای اول را برای کنترل وضع دفع و تحت ضابطه و نظم در آوردن آن بر میدارد و در ماه دوازدهم میتوان انتظار داشت که روزی دو سه بار دفع بموقع و براساس اوقات تعیین شده داشته باشد .



خطر آن برای کودک

خودداری از دفع بهر علتی که باشد برای کودک زیانبخش است. زیان جسمی و بدنی آن همان است که پزشکان متذکر شده و زمینه را برای عفونت فراهم می آورد و زمینه روانی آن گسترش حالت بد بینی، خست و لثامت و دیگر مسائلی از این قبیل است که روانگاوان به آن اشاره کرده اند.

اما خطر دیگری که مادرین بحث به آن اشاره میکنیم این است که این حبسها زمینه رادر مواردی برای انحراف و لغزش جنسی در کودکان فراهم آورده و حتی ممکن است آنها راه کشف در زمینه خود ارضائی و استمناء بکشاند و این خود یکی از عوامل لغزش است و مادر کتاب خانواده و مسائل جنسی کودکان بر آن اشاراتی داشته ایم.

حبس ادرار در دختران علاوه بر زمینه سازی برای چنین انحرافی که خود سبب کشف هاست ممکن است زمینه را برای انحنای لوله رحم فراهم کند که خود در سنین بعدی مخصوصاً در حین زایمان مشکل آفرین است و یکی از علل دشواری زایمان در سنین بعدی را همین امر ذکر میکنند.

اینکه چگونه میتوان وضع دفع کودک را عادی کرد پاسخ این است که اولاً باید بمرحلهای رسید که در آن کودک به رشد روانی برسد. ثانیاً باتشویق و ترغیب طفل را وادار به این امر کرد ثالثاً بهنگامی که کودک نیاز به دستشویی دارد به او کمک کرد تا احساس راحت کند و سابقه بدی از آن نداشته باشد و رابعاً اگر اختلالاتی در وضع مزاجی کودک وجود



علل خود داری از دفع

با اینکه در مواردی کودک بدرجهای از رشد رسیده است که میتواند وضع دفع خود را اعلام کرده و یا شخصاً به دستشویی برود در وضع و حالتی قرار میگیرد که گوئی از دفع خود داری میکند. سعی دارد هرچه بیشتر این امر را به تأخیر اندازد. درباره علل این خودداری میتوان موارد زیر را ذکر کرد.

— عدم توجه مادر به کودک و عدم رسیدگی و یا یاد آوری به کودک، مخصوصاً "بهنگامی که طفل از رفتن به دستشویی بعلت ترس از تاریکی یا علل دیگر نگران است.

— اصرار کودک به ادامه بازی و علاقمندی به ادامه آن بعلت جذب بسیار آن،

— اصرار مادر و فشار او به کودک در رفتن به دستشویی که زمینه را برای مقاومت او فراهم می آورد.

— اثبات استقلال روانی و انتقام از والدین که میتواند آنها را به زحمت افکند.

— عکس العمل ناشی از تولد کودک دیگر و نشان دادن اعتراض خود که بصورت حبس ادرار یا کثیف کردن خویش است

احساس لذت از حبس ادرار که برای کسودک نوعی ارضای غریزی بحساب می آید.

— احساس درد در بدن بعلت وجود تنگی مجرا و یا وجود عارضهای چون یبوست.

— ترس از نشستن در مستراح و احساس خطر از این امر.

دارد به درمان آن پرداخت تا از بیوست ها احساس درد نکند .

آغاز کنترل والدین

سؤال این است که والدین چه موقعی به کنترل کودک در امر دفع بپردازند؟ پاسخ این است در این رابطه باید صبر و حوصله ای کافی داشت و باعجله نباید اقدامی کرد . البته میتوان از طریق بازتاب شرطی طفل راحتی از ده ماهگی به کنترل ادرار عادت داد ولی بررسیهای علمی نشان داده اند که این امر برای کودک عارضه روانی دارد و پس از از بین رفتن شرط دوباره وضع اولیه خود را آغاز میکند . برخی از روانشناسان کودک آغاز تمرین آن را برای سنین ۱۴-۱۶ ماهگی پیشنهاد میکنند و

مدعی هستند که طفل از این مرحله بر اعصاب خویش مسلط است و میتواند خود را در این وادی نیز کنترل نماید . ولی آنچه که مورد اتفاق است این است از حدود ۱۸ ماهگی این تمرین را باید آغاز کرد ولی نه بصورت جدی و رسمی .

۱۸ ماهگی سن آغاز تمرین است و این امر تا حدود پایان ۳ سالگی به صورت کجدار و مریز باید صورت گیرد . سن کنترل جدی آن از پایان سه سالگی است که کودک به شخصیت و من خود پی می برد . در عین حال این به آن معنی نیست که کودک در این سن نیز کاملا " قادر به کنترل است . گاهی از اوقات اختیار از دستش می رود و والدین باید با دیده اغماض بنگرند مگر آنگاه که بدانند در این امر تعدمی در کار است .

تنظیم اوقات برای دفع

تنظیم اوقات برای دفع در ماههای اول بهیچ عنوان تجویز نمی شود . زیرا این امر وضع روانی و رفتاری طفل را به مخاطره می اندازد و هم برای والدین دردسر می آفریند . ولی در مواردی کشف میشود که طفل خود در ساعتی معین از روز به ادرار می پردازد - در آن صورت لازم است که ما در روز بعد در دقایقی قبل از آن ساعت کودک را سرپا کند تا تدریجا " این عادت در او پدید آید .

هم چنین لازم است قبل از خوابیدن ، بعد از بیداری ، قبل و بعد از استحمام ، از حدود ۱۸ ماهگی طفل را به دفع واداشت . در این رابطه ضرورتی وجود ندارد که کودک را تنبیه کنید تا





مربوط به امنیت و احساس کودک را در نظر داشت و خصوصا " باید کوشید که این امر با سختگیری همراه نباشد و اثربناگذاری در کودک نگذارد که اثر آن در زندگی اخلاقی و رفتاری کودک در حال یا آینده مشاهده خواهد شد .

خطر یبوست برای کودکان

مزاج کودکان روزی دو سه بار باید کار کند و این امر برای طفلی که از شیر مادر استفاده می‌کند طبیعی است . برای سنین بعدی در حدود ۵ سالگی ممکن است به روزی دوبار تقلیل پیدا کند و در شرایط عادی غذایی در سنین پس از آن به روزی یکبار برسد .

او حتما " به دفع بهبودازد زیرا که آن اثربناورائی در روان کودک دارد . نوازش و تشویق ، دادن پاداش مناسب در برخی از موارد بهترین عامل برای واداشتن کودک به دفع و تخلیه منظم است . هم چنین ضروری است گاهی نیمه‌های شب که مادر از خواب برمی خیزد کودک را با خود به دستشوئی ببرد ، خصوصا " در شبی که طفل مواد مایع بسیار مصرف کرده است و این در جلوگیری از عوامل انحراف و لغزش نقشی اساسی دارد .

آموزش‌ها و عادات لازم

عمل دفع گه یک امر حیاتی است باید با آموزش هائی همراه باشد . زیرا این امر در جوامع مختلف همراه با نوعی از کسب و آموزشها و درکل فرهنگ است . مثلا " کیفیت نشستن برای دفع ، مراقبت در نظافت ، شستشوی پس از آن ، پرهیز از دفع در اماکن عمومی و در برابر دیگران ، عدم نگاه به خود و دستگاه تناسلی ، رعایت دیگر موازین اخلاقی از اموری است که در این رابطه باید مورد نظر باشد .

هم چنین ضروری است این امر با عاداتی مناسب همراه باشد مثل عادت به دفع قبل از خواب و بعد از آن و قبل از خروج از خانه ، ذکر نام آن با حفظ ضوابط اخلاقی ، رعایت اصول کلی بهداشت و نظافت و . . . میدانیم آنچه در دوران کودکی بصورت عادت در آید بعدها کار زندگی فرد را آسان تر خواهد کرد .
در این آموزش و ایجاد عادت باید جنبه‌های

نکنند و یادر حین نوازش دست به کشاله ران کودک و عورت او نکشند که مناسفانه این عادت در برخی از مادران ناآگاه وجود دارد .

استقلال در دفع

از زمانی که کودک قادر بر نشستن روی سنگ مستراح شد و یامیتواند روی طشت بنشیند باید زمینه برای استقلال در دفع فراهم آید . وهم این امر باید از زمانی باشد که طفل بتواند نیازهای خود را تفهیم کند و حرف خود را بزند تجربه نشان داد که از علل گریز از دفع احساس خطر در نشستن روی سنگ مستراح است .

هم چنین استقلال در دفع باید زمانی باشد که طفل بتواند رابطه عاطفی محکمی بین خود و مربی احساس کند و نسبت به کمک و علاقه او اطمینان داشته باشد . بدین نظر سیمای مادر در حین دفع کودک نباید گرفته باشد و یا جنبه طرد کننده نداشته باشد که طفل وجود خود را برای او مزاحم احساس کند ، زیرا چنین حالتی مضر برای سلامت فکری و روانی کودک است .

شستشوی کودک پس از دفع توسط مادر در صورت رشد توسط خود کودک امری ضروری است زیرا از عوامل انحراف و لغزش غریزی کودک این است که گاهی در اثر عدم شستشو طفل در محل دفع احساس خارش کرده و خاراندن موضع سبب کشف موضع لذت و منجر به انحراف خواهد شد . اصولاً "رعایت نظافت و شستشو خوداصولی در تأمین سلامت کودک است ، حتی شستشوی بدن که زمینه را برای تنفس جلدی بیشتر فراهم می کند و عدم آن موجب بد خلقی ها ، بیحوصلگی ها و نفوذ آثار سموم در بدن است .

بقیه در صفحه ۶۹

ولی در مواردی این امر به کمتر از این مقدار تقلیل می یابد که عواقب جسمی روانی و غریزی نامطلوبی دارد و باید هرچه زودتر درمان شود . در مورد علل بیوسست باید گفت که :

— گاهی منشاء روانی دارد و حکایت از اعتراض یا نابسامانی روانی است .

— زمانی بعلت اجابت درد ناک مزاج است
— گاهی برای اقدامات شدید مادر برای عادت دادن طفل که به مستراح برود و ایسن امر مقاومت او را برمی انگیزاند .
— اختلالات در معده و روده خود از دیگر عوامل در این امر است

بهر صورت مصلحت نیست که طفل در چنین وضع و شرایطی باشد زیرا علاوه بر زیانهای جسمی و اخلاقی ممکن است زمینه را برای کشف انحراف و لغزش در طفل فراهم نماید .

بازی با اعضاء تناسلی

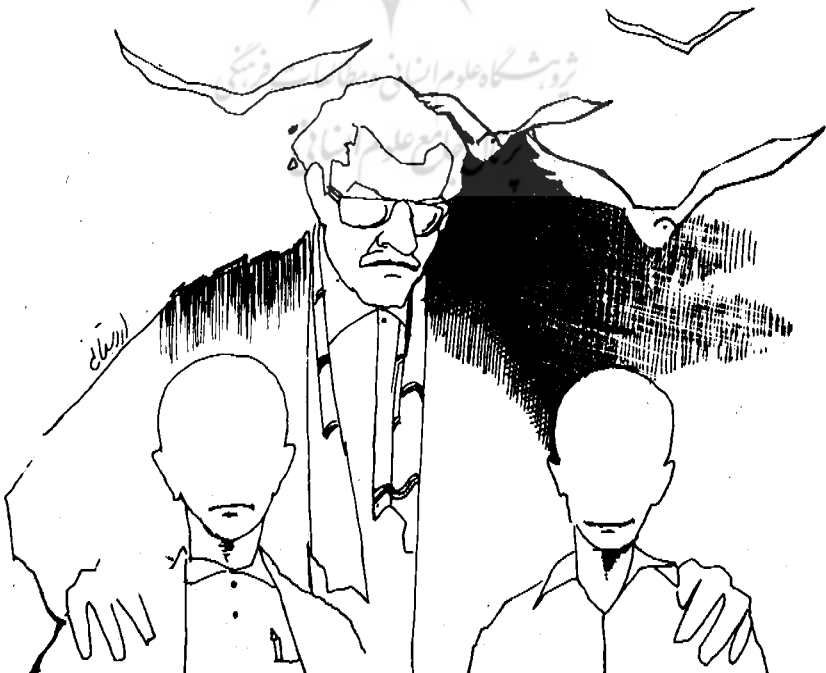
از مسائل دیگری که در امر دفع قابل ذکر است این است که گاهی کودک حتی در سنین شیر خوارگی و در حین تعویض کهنه با اعضاء تناسلی خود بازی میکند و این امر زمینه را برای کشف لذتهای غریزی و منابع آن فراهم می سازد و ممکن است بعدها به استمناء و استشهائ منجر شود . بدین خاطر چنین کودکانی نیازمند به مراقبت بیشتری هستند و مادران بدون اینکه خوشنونی از خود بروز دهند باید جلوی طفل را بگیرند .

هم چنین مادران در شستشوی کودکان باید مراقب باشند که نحوه شستشو و دستکاری زمینه را برای چنان لغزشی فراهم نکند و یا مادران با اعضاء تناسلی کودک بهیچ عنوان دستکاری

آیا معلمان با شاگردان زرنگ و ساعی
خود همان رفتار و برخوردی را
دارند که با شاگردان ضعیف
کلاس؟

زهرا حجازی

پیشداوری معلم چه تاثیری در
موفقیت یا شکست تحصیلی کودکان
دارد؟



انتظار معلم و پیشرفت تحصیلی شاگرد

معمولا" وقتی در اولین روزهای سال تحصیلی معلم وارد کلاس می شود و در مقابل چشمهای پرسشگر و کنجکاو شاگردان قرار می گیرد سعی میکند با اولین نگاه آنان را ارزیابی کند. اونا حدودی از ظاهر شاگردان، از پاکیزگی و مرتب بودن لباسهای آنان، از ادب و متانتشان و از طرز رفتار آنها سعی میکند آینده تحصیلی آنان را پیش بینی کند. مثلا" با مشاهده شاگرد نامرتبی که تکمه پیراهنش افتاده، دست و صورتش آنطور که باید تمیز نیست، مرتب در جای خود تکان می خورد و حواس سایرین را پرت میکند بخود میگوید: " این بچه نا آرام شاگرد درس خوانی نخواهد شد و چه بسا با او مشکلاتی خواهم داشت ". برعکس با دیدن شاگرد مودب، مرتب و خوش لباسی که ردیف جلو نشسته و با نگاه هشیار و لبخند محبوبانه اش او را براندازی کند به خود میگوید: این یکی احتمالا" از شاگردان درخشان کلاس خواهد بود البته در زنگ تفریح و در ساعات فراغت نیز گاهی معلم آن مدرس را مورد شاگردان باهم صحبت می کنند و به معلم جدید هشدار میدهند که مواظب فلان شاگرد باشد زیرا بچه پردردسری است. یا اینکه فلان شاگرد، ساعی، خودکار و مرتب است و می توان مسئولیتهائی با او سپرد. بدین ترتیب معلم در اولین برخورد با

شاگردانش سعی میکند با پیشداوری خود آینده تحصیلی آنان را مجسم کند و حدس بزند کدام شاگرد موفق و کدام یک ناموفق خواهد بود. البته او ممکن است گاهی در قضاوت خود اشتباه کند اما مناسفانه غالبا" پیش بینی های معلم به حقیقت می پیوندد و همواره شاگردان مودب کنجکاو و مرتب که سر کلاس با دقت به صحبت های معلم گوش می دهند شانس بیشتری برای موفقیت دارند تا کودکان نا آرام، نامرتب و بازیگوش که اکثرا" متعلق به خانواده هائی هستند که از فقر فرهنگی و اقتصادی رنج می برند، این دسته از شاگردان با اینکه در شروع مدرسه ظاهرا" هوش و استعدادی در سطح کودکان دیگر دارند بتدریج از سایر شاگردان کلاس فاصله می گیرند و هر چه سال تحصیلی به پایان خود نزدیکتر می شود این شکاف عمیقتر و عقب افتادگی تحصیلی آنان بیشتر می شود بطوریکه در پایان سال تحصیلی فقط در صدکمی از آنان کارنامه قبولی خود را بدست می گیرند. اگر اتفاقا" با معلم یکی از این شاگردان صحبت کنیم با دلسوزی خواهد گفت " از اول هم معلوم بود قبول نمی شود. اونته تنها بلد نیست چطور سر کلاس گوش بدهد و چطور درس جواب بدهد بلکه اصلا" صحبت معمولی اش هم قابل فهم نیست ".

در ذهن می پروراند موثر باشد.

بسیاری از معلمان ممکن است برای شاگردمنازی که درس پاسخ میدهد بطور ناخود آگاه امتیاز بیشتری قائل شوند. شوخیهای او را باحسن خلق تحمل کنند و اگر در مورد نمرهای اعتراض داشته باشد، به اعتراض او باحسن نیت رسیدگی کنند در حالیکه در مقابل اعتراض شاگرد ضعیف تحمل کمتری از خود نشان میدهند و بهنگام پرسیدن درس، دستپاچی، مکث و اشکال او را در پاسخ به سئوالات ناشی از فرانگرفتن درس بدانند و بانمره بسیار کمی روانه اش کنند، نمرهای بر مراتب کمتر از حق او. بدین ترتیب، با اینکه مابین شاگردانی که متعلق به طبقات مختلف اجتماعی اند اختلاف بارزی از نظر سطح در آمد خانواده، ارزشهای فرهنگی، پیشرفت تحصیلی و غیره وجود دارد اما غالباً این اختلافات با پیشداوری معلم در مورد موفقیت یا عدم موفقیت تحصیلی شاگردان توأم می گردد.

با اینکه هنوز هیچگونه آزمایشی ثابت نکرده که با تغییر یکی از عوامل بالا مثلاً "بالا بردن سطح درآمد خانواده شاگرد بتواند از نظر تحصیلی موفق شود اما تحقیقات متعدد نشان داده است که اگر پیشداوری معلم در مورد شاگردانش تغییر کند رشد ذهنی و در نتیجه وضع تحصیلی کودک بطور محسوسی تغییر خواهد کرد.

دراثبات این فرضیه پرفسور رزنتال *Rosental* یکی از اسنادان تعلیم و تربیت دانشگاه هاروارد به همراه یک گروه تحقیق، یک مدرسه ابتدائی در ناحیه ای پر جمعیت و محروم از شهر نیویورک را زیر نظر قرار دادند و تصمیم گرفتند اثر پیشداوری و انتظار معلم را در پیشرفت تحصیلی شاگردان مورد بررسی قرار

اکثر معلمها عقب افتادگی تحصیلی شاگردان را ناشی از عوامل متعددی می دانند - برخی از آنان فوراً مساله خانواده را پیش می کشند و فقر فرهنگی و اقتصادی را مسئول رفوزگی شاگرد می دانند - بعضی دیگر گناه را به گردن بی استعدادی و ناتوانی ذهنی خود شاگرد یا تنبلی و بازیگوشی او می اندازند. اما بندرت ممکن است به این موضوع فکر کنند که پیشداوری و طرز رفتار خودشان نیز در پیشرفت یا عقب افتادگی تحصیلی شاگردان بسیار موثر است. اگر آنان متوجه می شدند انتظاری که معلم از شاگرد خود دارد غالباً به حقیقت می پیوندد شاید بیشتر در قضاوت خود تردید می کردند.

عقب ماندگی تحصیلی ناشی از چه عواملی است؟

در سالیان اخیر تحقیقات فراوانی در مورد علل عقب افتادگیهای تحصیلی شاگردان بخصوص آنان که محروم از امکانات فرهنگی و اقتصادی اند انجام شده است. اکثر تحقیقات ثابت می دارد که برخلاف آنچه سابقاً تصور میشد تنها خانواده یا شاگرد را نمی توان مسئول شکستهای تحصیلی دانست بلکه مدرسه و عدم تطبیق برنامه های آموزشی بانیازها، علائق و تجربیات قبلی این دسته از کودکان ممکن است از عوامل موثر در عقب ماندگی تحصیلی باشند. یکی از موضوعاتی که در این زمینه توجه متخصصین تعلیم و تربیت و جامعه شناسان را به خود مشغول داشته موضوع پیشداوری و انتظار معلم است و اینکه نظر مثبت یا منفی معلم تا چه حد می تواند در پیشرفت یا عقب افتادگی درسی شاگردان و در تصویری که کودکان از خود

کودکان مورد آزمایش قرار گرفتند .

نتایج آزمایشات اولیه همانطور که پیش‌بینی میشد تکان دهنده بود . رشد هوش و پیشرفت تحصیلی کودکان که به عنوان شاگرد باهوش‌ویبا استعداد کلاس معرفی شده بودند نسبت به سایر شاگردان بسیار چشمگیر بود . این نکته‌نشان دهنده این امر است که هرگاه معلم اعتقاد به هوش و استعداد شاگردی داشته باشد رفتاری با آن شاگرد خواهد داشت که مشوق پیشرفت و موفقیت آن شاگرد خواهد بود . یعنی با توجه بیشتر، سختگیری بیشتر و تشویق بیشتر این شاگرد او رابه کار مرتب تر و بهتر وادار خواهد کرد و امید موفقیت را در دل او بوجود خواهد آورد . بنابراین هرچه معلم انتظار بیشتری از شاگرد خود داشته باشد کار بهتر و منظم تری از شاگرد خود دریافت خواهد کرد در حالیکه اگر از شاگردی قطع امید کند این ناامیدی معلم را شاگرد احساس خواهد کرد و بتدریج اعتماد بنفس خود را از دست خواهد داد و هرگونه تلاش و کوششی را برای موفقیت بیهوده خواهد دانست . بنابراین ناامیدی معلم و انتظار منفی او شاگرد را به کم کاری ، یاس و عقب افتادگی تحصیلی و ایجاد مسائل انضباطی خواهد کشاند و این عوامل منفی به نوبه خود به ناامیدی معلم و انتظار منفی او از شاگرد خواهد افزود .



دهند. اکثر شاگردان این مدرسه را فرزندان کارگران غیر متخصص و یا مهاجران مکزیک‌یی تشکیل می دادند که از نظر تحصیلی کاملاً "عقب مانده محسوب میشدند .

در این مدرسه گروه محققین برنامه‌ریزی خاصی برای تغییر روشهای آموزشی پیشنهاد کرده و نه تنها با استخدام معلم های اضافی، کار فوق العاده‌ای روی شاگردان انجام داد بلکه در اول سال همه معلمان مدرسه را جمع کردند و به آنان گفتند که قصد دارند کلیه شاگردان مدرسه را تحت آزمون هوشی و استعداد قرار دهند تا ببینند چند درصد از شاگردان در این سال در مرحله حساسی از شکوفائی و رشد ذهنی فراردارند . در صحبت با معلمان این نکته را مورد بحث قرار دادند که هوش کودکان در مرحله خاصی از زندگی شان تحت تأثیر عواملی چند ناگهان شکوفا می شود و در این مرحله خاص با کمی توجه به شاگرد می توان حداکثر پیشرفت تحصیلی را از او انتظار داشت . بدین ترتیب کلیه شاگردان مدرسه تحت آزمون هوش قرار گرفتند اما نتیجه واقعی این آزمایش هرگز به معلم ها گفته نشد بلکه بیست درصد از شاگردان مدرسه به عنوان کودکانی که در مرحله شکوفائی و حداکثر رشد ذهنی خود هستند به هیجده معلم مدرسه معرفی شدند . نام این کودکان بر حسب تصادف از لابلای سایر نامها بیرون کشیده شده بود و اینان در حقیقت هیچگونه برتری هوش نسبت به سایر شاگردان نداشتند و تنها در ذهن معلمان خود نسبت به سایرین ممتاز بنظر می رسیدند .

سه ماه بعد و سپس در پایان سال تحصیلی از همه شاگردان مدرسه مجدداً "آزمایش هوش به عمل آمد و یکبار دیگر نیز در اواسط سال بعدی

شاگردان ظاهراً " تیز هوش داشتند باعث شد که بطور ناخود آگاه رفتارشان با این کودکان تغییر کند - طرز صحبت آنان، حالات صورت ، حرکات و نوع ارتباطی که با این قبیل کودکان برقرار کردند به شاگردان فهماند که معلم از آنان انتظار پیشرفت و موفقیت دارد .

توجه معلم و خوش بینی او باعث شد، تصویری که این شاگردان از خود در ذهن داشتند بتدریج تغییر کند . تصویری که غالباً با ناامیدی و عدم اعتماد بنفس مکرر شده بود . این کودکان متوجه شدند که پاسخهای صحیح آنان بیشتر مورد توجه قرار می گیرد تا جوابهای نادرست و یا اینکه معلم به هنگام درس دادن با نگاه کردن به آنان و سوال و جواب از آنها انتظار دارد که نقش فعالی در کلاس داشته باشند بنابراین رفته رفته از گوشه انزوا و دنیائی که برای خود ساخته بودند بیرون آمدند و با تلاش و کوشش خود را وارد فعالیتهای کلاس نمودند .

آزمایش هوش و پیشرفت تحصیلی این کودکان یکبار دیگر ثابت نمود که اکثریت کودکان استعداد و توانائی یادگیری دارند و هرگز نباید در مقابل بی توجهی و بیعلاقگی شاگرد، مشاهده نمرات پائین و کمبود پیشرفت تحصیلی او ازوی قطع امید نموده برایش پیش بینی شکست نمود زیرا چنین پیش بینی و قضاوت عجولانه می تواند برای شاگرد و خانواده اش خطرناک ، ویران کننده و دردناک باشد .

محققین نامبرده از معلمان این مدرسه خواستند که به شاگردان کلاس خود نمراتی در مورد کنجاوی ذهنی ، سازگاری شخصی و اجتماعی ، علاقمندی به دروس و مدرسه بدهند . در اینجا هم کودکانی که از آنان انتظار شکوفائی می رفت نمرات بهتری نسبت به سایرین دریافت داشتند .

کدام دسته از شاگردان به پیشرفت خود ادامه دادند .

در آزمایشی که سال بعد روی شاگردان مدرسه انجام شد محققین به این نتیجه رسیدند که بین بیست درصد از شاگردانی که به عنوان شاگردان " تیز هوش" معرفی شده بودند تنها آن دسته به پیشرفت خود ادامه دادند که در کلاسهای بالاتر مدرسه درس میخواندند، در حالیکه کودکان خردسال کلاسهای اول و دوم پیشرفت چندانی از خود نشان ندادند . به عبارت دیگر این کودکان خردسال برای ادامه پیشرفت نیاز به توجه و تشویق مداوم معلم داشتند اما معلم جدید آنان که اطلاعی از چگونگی وضع هوشی آنان نداشت نمی توانست انتظاری در مورد موفقیت و پیشرفت تحصیلی آنان داشته باشد لذا با آنان رفتاری مشابه سایر شاگردان ضعیف و پرمشکل مدرسه اتخاذ کرده بود .

چه عاملی باعث پیشرفت تحصیلی شاگردان شد

توجه معلمان و انتظاری که از این دسته از



حبس ادرار میشود .

به کودک حتی باید اطمینان داد که اگر رختخواب خود را خیس کرد مسالهای نیست تا راحت بخوابد و احساس ترس و اضطراب نکند . برخی از کودکان دیر بخواب میروند و یادچار بد خوابی میشوند تنها بدان خاطرکه ترس دارند بستر خود را خیس کنند و مادریا پدرشان از آنها بازخواست کند . درحالیکه چنین امری زمینه را برای عارضه روانی فراهم میکند .

والدین و مربیان باید بدانند که خیس کردن بستر همهگانه ناشی از بی توجهی کودک به دفع نیست . در مواردی ممکن است ناشی از امراض جسمانی ، آشفتنگی و اضطراب نگرانی روانی و بازگشت به دوران کودکی احساس تنهائی و دل بستگی نسبت به مسائل زندگی باشد و این امر در بین ایتمام و کودکان پرورشگاهی که از مهر و محبت کافی برخوردار نیستند بیشتر رواج دارد .

دوری از اضطراب در دفع

عمل دفع باید با آرامش و اطمینان صورت گیرد نه بگونهای اضطراب آمیز . کودک ضمن اینکه عمل دفع را باید سریعاً انجام دهد و در آن زیاد معطل نشود ، نباید توأم با سرعت و اضطراب و یا ترس و تهدید باشد .

رسول خدا (ص) کودکی را که در آغوش داشت و او سرگرم ادرار کردن شد و دیگران خواستند کودک را با تهدید از آغوش پیامبر بیرون بکشند و رسول خدا اجازه نداد فرمود بگذارید او با آرامش ادرار خود را بکند . لباس من قابل تطهیر است ولی رفع آزردهی روانی طفل به سادگی میسر نیست . اصولاً وجود هراس در دفع خاطرهای بس تلخ و ناگوار در کودک ایجاد میکند که بعدها خود از عوامل

